

زناشویی

عروسی

در ایل

شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی

پیوند زناشویی در ایل بختیاری بیشتر مایه از سنت‌های کهنی می‌گیرد که مابین افراد ایل از گذشته‌های دور تا بحال ادامه داشته است، ازدواج بر اساس تحکیم روابط خویشاوندی، پیوند برای ایجاد همبستگی و گسترش تیره و طایفه است، سواى طبقات شهر نشین و با مرفه که سنت‌ها را زیر پا گذاشته‌اند، توده اصلی ایل هنوز تابع

رسومی است که از گذشته‌ها برایش بیادگار مانده، یعنی ازدواج در محدوده تیره و طایفه و خویشان نزدیک همانند پسرعمو، دخترعمو، معمولاً "به هنگام تولد دختری در یک خانواده، خانواده دیگری که صاحب پسر هستند، روز تولد با یک کله‌قند و یا مقداری پارچه روانه خانواده صاحب دختر می‌شوند و از همان آغاز تولد آنرا برای پسرشان عقد می‌کنند

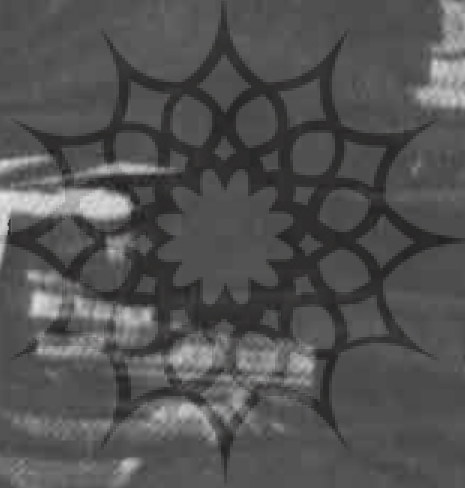
گروهی توشمال به خانه دختر می‌روند و لباس‌هایی همانند شلوار، پیراهن، کفش، مینا و حنا برای دختر هدیه می‌برند، این هدایا بنام " دستگیران " معروف است، و بعد وعده و قراری می‌گذارند بنام " پاشکنان " یعنی پای عروس را می‌شکنند و به مفهوم آن است که در جلسهای شیربها راتعیین می‌کنند و قباله هم می‌گیرند که نوعی تضمین است، یعنی پدر دختر دیگر حق شوهر دادن دخترش را به دیگری ندارد.

عموماً قبل از مراسم عقدکنان یک نفر از اقوام نزدیک پسر به منزل دختر رفته و برای توافق تعیین روزی برای عقدکنان به مشورت می‌نشیند. بعد از این توافق خانواده دختر با برپا کردن یکی یا دو چادرسیاه (بوهون) اضافی گرداگرد چادر خودش برپا می‌دارد تا مکان کافی برای پذیرائی مهمان‌ها داشته باشد.

از سوی دیگر هنوز هفته‌ای مانده به مراسم عقدکنان شخص مطمئنی از طرف داماد به خانه اقوام و خویشان می‌رود تا روز عقدکنان را به اطلاع برساند، معمولاً " خانواده‌ها با شنیدن این خبر هر کدام به نسبت امکان خود

و به وسیله هدیه‌ای که همراه آورده‌اند نشان می‌گذارند، این مراسم را در ایل " ناف برون " می‌گویند، کمتر اتفاق افتاده که در این قرار و مدار خللی وارد بشود، حتی اگر پسر یا دختر هر کدام دچار حادثهای بشود و یا ناقص شود، این پیوند بجای خودش محفوظ است. در صورتی که دختر یا پسری " ناف برون " نشده باشند، اگر خانواده پسر دختری را پسندید، پدر و مادر پسر به همراهی زنان و مردان مسن طایفه به خانه پدر دختر می‌روند و با گفتن این جمله که این پسر را به غلامی خودتان قبول کنید مقصود را می‌گویند، در صورتی که پدر دختر راضی نباشد بهانه‌ها می‌آورد، " حالا که دختر من بزرگ نشده، فعلاً " که برای ما میسر نیست تا قسمت چه باشد "، اما اگر جواب مساعد باشد با دعوت خانواده پسر به شام یا نهار توافق خود را اعلام می‌کند. ناگفته نماند که بیشتر خواستگاری‌هایی که در ایل انجام می‌گیرد قبلاً " طرفین آمادگی داشته و از آن اطلاع دارند و یا توافق خود را اعلام کرده‌اند.

بعد از اعلام توافق هفته‌ای نمی‌گذرد که پنجاه تن از خانواده پسر به همراهی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هدیه‌ای به آن شخص می‌دهند، پولی، گوسفندی، کیسه برنجی، آردی، تا بدین وسیله دربرپائی مراسم عقدکنان سهمی داشته باشند و مخارج سنگین این مراسم را تامین کرده باشند. این مراسم را در ایل "اوزی" می‌گویند. صبح روز عقد خانواده‌های وابسته به داماد همراه با توشمال‌ها، شادی‌کنان به طرف خانواده عروس راه می‌افتند، در همین زمان جوانهای ایل سوار بر اسب در کنار آنها سواربازی می‌کنند.

زنان و دختران قبل از وارد شدن به خانه عروس در میانه راه آوازهای شادی می‌خوانند که در اصطلاح به آن "دوالالی" می‌گویند، سپس به هنگام رسیدن به چادر عروس با هم یکصدا ترانه‌ای می‌خوانند که ترجمه قسمتی از آن چنین است.

در را باز کن

در را باز کن

می‌شکنیم دروازه را

شب چراغ روشن کنید

می‌بریم شاهزاده را

صد سوار از گوه در او آمد

چه لر و چه ترکمون

دو بی‌تی دشتی بگویند

برای عزیز خانهمون

این انارو نشکنید

مگر ما انار خوریم

اسب بور را زین کنید

چونگه ما در شوق رفتیم

مراسم عقدکنان در میان شادی

خانواده عروس و داماد که بپایان رسید،

خواهر یا مادر داماد پیش پدر دختر

رفته و به او می‌گوید پول "مینا"ی مرا

بده، معمولاً این رسم برای کم کردن

پول شیربھائی است که پدر دختر گرفته

است در مراسم عقدکنان معمولاً شام و

نهاری صرف می‌کنند و سپس چادر

خانواده عروس را ترک می‌کنند.

عموماً در ایل مراسم عقد و عروسی

با هم انجام می‌گیرد و اغلب مراسم عروسی

از صبح شروع می‌شود، چون از لحاظ نور

در مضیقه هستند از دیدنی‌های صبح

عروسی مراسم سواربازی است، در این

بازی دستمالی بر روی زمین پهن می‌کنند

و جوانها سوار بر اسب، هر اسب سوار

می‌کوشد تا با خم شدن بر روی زمین

دستمال را بردارد.

مبلغ آن زیاد شده و برای پسر جوان
بختیاری و خانواده او مشکلاتی را ببار
آورده است.

در ایل دعوت به مفهوم شهری
برای شرکت در مراسم عقد و عروسی
چندان رایج نیست، همه شرکت می‌کنند
و خود را در شادی و سرور سهیم می‌دانند،
در عصر روز عروسی در فضای باز مراسم
رقص و پایکوبی شروع می‌شود، زن و مرد،
پیر و جوان می‌رقصند.

چون شب فرا رسید و مهمانان
شام را خوردند، عروس و داماد را به
چادری می‌برند که قبلاً "تدارک آن
دیده شده است، این چادر عموماً سفید
است که هم نشانه مشخص چادر عروس
و داماد باشد و هم سفیدی بخت و
اقبالشان باشد، درون چادر را قبلاً با
پارچه‌های رنگارنگ تزئین کرده‌اند که
به آن "هنجله" می‌گویند، بر در چادر
پرده‌ای آویزان کرده‌اند که باید عروس
و داماد از زیر آن پرده بگذرند.

امروزه مراسم عروسی بختیاری‌ها
بعلت فقر و تهی‌دستی و از هم پاشیده
شدن ایل چندان رونقی ندارد، اما
می‌توان بخوبی رگه‌هایی از سنت‌های
اصیل ایل را در مراسم امروزی‌اشان نیز
دید. بویژه آنکه سنت‌هایی مانند
شیربها که بین آنها هنوز مرسوم است